

## عزت نفس در اسلام

قرآن کریم از نفس به عنوان بزرگترین سرمایه آدمی یاد می کند و نفس را آنقدر ارزشمند می داند که اگر معامله ای صورت گیرد، جز با پروردگار عالم این معامله نیست. به عبارت دیگر، نفس آنقدر پر بهاست که نمی تواند مورد معامله قرار گیرد مگر در برابر خلاق جهان یعنی دادن نفس و گرفتن چنانکه امام صادق (ع) می فرماید: "انا من بالنفس النفسیه البها" (بهای نفس گرانبها را پروردگارش قرار می دهد)

"عزت" در اصل آن حالتی است که انسان را مقاوم و شکست ناپذیر می سازد، و از آن جا که تنها خداوند است که شکست ناپذیر است، لذا تمام عزت از آن اوست، و هر کس عزتی کسب می کند از برکت دریای بی انتهای اوست.

در چند جای قرآن تصریح شده که تمام عزت نزد خداوند است: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (نساء، 139؛ یونس، 65؛ فاطر، 10) لذا اگر کسی به دنبال کسب عزت باشد راهی ندارد مگر این که خداوند آن را به او عطا فرماید؛ و در راستای ایمان و اطاعت از خداوند است که انسان دارای عزت می شود.

در حدیثی پیامبر (ص) فرمودند: "ان ربکم یقول کل یوم: انا العزیز، فمن اراد عز الدارین فلیطع العزیز": پروردگار شما همه روز می گوید: منم عزیز؛ و هر کس عزت دو جهان خواهد باید اطاعت عزیز کند. (تفسیر نور الثقلین، ج 4، ص 352)

اگر می بینیم در بعضی از آیات قرآن "عزت" را علاوه بر خداوند، برای پیامبر (ص) و مؤمنان قرار می دهد "و لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ" (منافقون، 8) به خاطر آن است که آنها نیز از پرتو عزت پروردگار کسب عزت کرده اند، و در مسیر طاعت او گام بر می دارند.

ضمناً مؤمن اجازه ندارد عزت نفس خود را جریحه دار نموده و خود را ذلیل و خوار کند. در روایت آمده: خداوند همه کارهای مؤمن را به او واگذار کرده جز این که به او اجازه نداده است که خود را ذلیل و خوار کند، مگر نمی بینی خداوند در این باره فرموده: عزت مخصوص

خدا و رسول او و مؤمنان است. سزاوار است مؤمن همیشه عزیز باشد، و ذلیل نباشد.  
(نور الثقلین جلد 5 صفحه 336)

در روایتی از امام حسن (ع) آمده: "و اذا اردت عزا بلا عشیره، و هیبه بلا سلطان، فاخرج من ذل معصیه اللّٰه الی عز طاعه اللّٰه"؛ هر گاه بخواهی بدون داشتن قبیله، عزیز باشی، و بدون قدرت حکومت، هیبت داشته باشی، از سایه ذلت معصیت خدا بدر آی و در پناه عزت اطاعت او قرار گیر! ("بحار الانوار" جلد 44، صفحه 139)

### توصیه های امام صادق (ع) در مورد سختی های زندگی

مفضل با فشار سخت زندگی روبرو شده بود، فقر و تنگ دستی، داشتن قرض و مخارج سنگین زندگی او را آزار می داد، در محضر امام صادق (ع) لب به شکایت گشود و بیچارگی های خود را موبه موتشریح کرد "فلان مبلغ قرض دارم، فلان مشکل دارم، متحیرم چه کنم و...." خلاصه در آخر کلامش از امام صادق (ع) در خواست دعا کرد. امام (ع) به کنیزش دستور دادند یک کیسه اشرفی که منصور برای وی فرستاده بود بیاورند، بعد این کیسه را در اختیار مفضل قرار می دهد، مفضل رو به امام (ع) خطاب کرده می گوید: "آقا مقصودم آنچه در حضور شما گفتم دعا بود".

حضرت می فرمایند: "بسیار خوب دعا هم می کنم، اما این را بدان؛ هرگز سختی های خود را برای مردم تشریح نکن اولین اثرش این است که وانمود می شود تو در میدان زندگی زمین خورده ای و از روزگار شکست یافته ای، در نظر ها کوچک می شوی و شخصیت و احترامت از میان می رود. (شهید مطهری، داستان راستان ص 17. و رحمتی، محمد، گنجینه معارف ج 1 ص 112)

### عزت نفس در نهج البلاغه

در ضمن خطابه ای که امام علی علیه السلام به اصحابشان می فرمایند، آمده است: **فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ**؛ [۴] مردن این است که بمانید ولی مغلوب و مقهور باشید و زندگی این است که بمیرید ولی پیروز باشید.

در این سخن امام مسئله عزت و قاهریت و سیادت آنقدر ارزش والایی دارد که اصلاً زندگی بدون آن معنی ندارد؛ اگر باشد مهم نیست که تن انسان روی زمین حرکت کند یا نکند و اگر نباشد حرکت کردن روی زمین حیات نیست.

همچنین جمله دوم از حکم چنین است: *أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ*، یعنی آن کسی که طمع را شعار خود قرار داده، حقارت به نفس خود وارد کرده است.

شهید مطهری در مورد این حکمت می گویند: اینجا طمع به این جهت محکوم شده است که انسان را خوار می کند. مبنای این خلق پلید، حقارت نفس ذکر شده. *وَ رَضِيَ بِالذَّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ ضَرْهِهِ*. شرعا مکروه است که انسان اگر گرفتاری و ابتلائی دارد پیش هر کس که رسید بگوید، چون این امر آدمی را حقیر می کند.

و در حکمت 396 آمده است: *الْمَنِيَّةُ وَالْأَذْيَاءُ وَالتَّقَلُّبُ وَالْاِسْتِغْنَاءُ*؛ [۵] مرگ و نه پستی و قناعت به کم نه دست درازی پیش دیگران.

این داستان، حدیث است که حضرت امیر از جلو دکان قصابی می گذشتند. قصاب گفت: گوشتهای خوبی آورده ام. حضرت فرمودند: الآن پول ندارم که بخرم. گفت: من صبر می کنم. حضرت فرمودند: من به شکم می گویم که صبر کند.